

❖ **فصل اول: خلاصه جهاد تبیین در اندیشه آیت الله خامنه ای - صفحه ۲**

❖ **فصل دوم: نکات مهم جهاد تبیین در اندیشه آیت الله خامنه ای - صفحه ۱۸**

فصل اول: خلاصه جهاد تبیین در اندیشه آیت الله خامنه ای

جهاد تبیین

در فرهنگ اسلامی و دینی هر عملی که مواجهه با دشمن و با تحمل سختی و مشقت و با تلاش و کوشش انجام گیرد جهاد نام دارد و اجر فراوانی برای آن ذکر شده است. البته برخی از مصادیق جهاد واجب بوده و در صورت کوتاهی در انجام آن مجازات اخروی و بعضاً دنیوی بر آن باز میگردد. جهاد میتواند جنگ رو در رو یا جنگ اقتصادی یا فرهنگی و ... باشد. رهبر انقلاب با بهره گیری از این مفهوم دینی تعبیر جهاد تبیین را بکار برده اند.

نهضت‌های اسلامی در دوران معاصر نیز بدون تبیین اثرگذار یا به نتیجه نرسیده یا سرعت رو به زوال گذاشته است. در واقع یکی از مهم ترین عناصر ماندگاری هر جریانی قدرت تبیین و اقناع سازی آن است. نهضت امام خمینی (قدس سره) با تکیه بر عنصر تبیین و بدون استفاده از حرکت‌های مسلحانه توانست رژیم تا دندان مسلح ستم شاهی را به زیر آورد و به پیروزی برسد همچنین پایداری و مانایی انقلاب اسلامی نیز با بهره گرفتن از عنصر تبیین بوده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) حیات جهادی خود را با دو مشخصه ی «مقاومت» و «تبیین» معرفی میکنند و البته میفرمایند که «مبارزه ی بدون روشنگری منجر به ارتجاع» و «روشنگری جدا از مبارزه خشک و بی روح خواهد شد. اولین اقدام انقلابی و سیاسی ایشان مربوط به چهارده سالگی شان و یک اقدام تبیینی است.

و تاکنون قریب به هفتاد سال است که عنصر تبیین را در کنار عنصر مقاومت و مبارزه دارند و برای تبیین‌های خود شکنجه ها و زندانها و محرومیتها را تحمل کرده اند ایشان معتقدند که اساس کار ما تبیین است و اصلاً روش اسلام تبیین است و این گونه است که همیشه بهنگام در حوادث و وقایع حاضر بوده اند و هر جا لازم بوده به تبیین مسائل پرداخته اند. در دوران رهبری معظم له موارد فراوانی را می یابیم که ایشان به میدان تبیین آمده اند برخی موارد از سنخ روشنگری در زمان فتنه یا حادثه بوده است مانند دوران فتنه های ۷۸ و ۸۸ و ۹۸ و برخی نیز در راستای گفتمان سازی بلند مدت در فضای عمومی بوده است. مواردی همچون تبیین و گفتمان سازی خط امام، عدالت طلبی، مذاکره و ارتباط با آمریکا، حق مسلم بودن انرژی هسته ای، تولید ملی، اقتصاد مقاومتی انقلابیگری، روحیه ی جهادی سبک زندگی اسلامی - ایرانی نگاه به درون هویت ملی حضور در صحنه، اهمیت حفظ قدرت موشکی نهضت نرم افزاری علمی تحول در حوزه های علمیه حقوق زن تبیین واقعیتهای کشور و دشمن و ...

در فصل اول به کلیات بحث از جمله تعریف جهاد و جهاد تبیین و همچنین فواید و آثار تبیین و مطالبی از این دست پرداخته شده است. در فصل دوم، بحث الزامات جهاد تبیین مطرح است که به سیاستها و بایدها و نبایدهای این فریضه اختصاص دارد. فصل سوم کتاب مربوط به برخی از روشهایی است که در بیانات رهبر انقلاب به آن اشاره شده است. در بیانات معظم له، موضوعاتی مورد مطالبه قرار گرفته است که مجاهدان این عرصه لازم است تبیین این موضوعات را در اولویت قرار دهند که در فصل چهارم کتاب به بیش از سی مورد از این موارد پرداخته شده است فصل پنجم این اثر نیز به وظایف اقشار و نهادهای مختلف در این زمینه اختصاص یافته است. در این اثر تلاش شده است تا نهایت تلخیص رعایت شده و به حداقل از بیانات بسنده شود.

تعریف جهاد

و الجهاد» که جهاد آن عرض عریض و آن عمل شامل و عام و نافع تمام نشدنی است که در انواع و اشکال مختلف تحقق پیدا میکند. ما در اول کتاب جهاد عرض کردیم که معیار جهاد، شمشیر و میدان جنگ نیست. معیار جهاد همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه ی «مبارزه وجود دارد فلائی آدم مبارزی است؛ فلائی آدم مبارزی نیست. نویسنده ی مبارز؛ نویسنده ی غیر مبارز عالم مبارز عالم غیر مبارز دانشجوی مبارز و طلبه ی مبارز؛ دانشجوی غیر مبارز و طلبه ی غیر مبارز جامعه ی مبارز و جامعه ی غیر مبارز، پس جهاد یعنی «مبارزه».

جهاد یعنی چه؟ هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض آلودی که دارد انجام میگیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهت گیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است.

جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود استمرار و همه جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. این جور تحرکی اسمش جهاد است. بنابراین جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه جانبه هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم آلود و غرض آلود دشمن. جهاد فقط در میدان جنگ نیست در میدان علم هم مثل بقیه میادین زندگی جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی وقفه همراه با خطر پذیری-در حد معقول البته-و پیشرفت و امید به آینده.

ارکان تحقق جهاد

در مبارزه دو چیز حتماً لازم است یکی اینکه در آن جد و جهد و تحرکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمیتواند مبارزه کند در مبارزه باید جد و جهدی وجود داشته باشد اگرچه در صوری مبارزه با نفس هم میدانهایی دارد؛ اما حالا مثالهایی که میزنیم برای مبارزات اجتماعی و اینها است. پس اول اینکه در آن جد و جهد و تلاش و تحرک باشد. دوم اینکه در مقابلش دشمنی باشد.

مبارزه در آنجا که دشمن نیست معنا ندارد. پس، جهاد متقوم بر این دو رکن است یکی اینکه در آن جد و جهد باشد؛ دیگر اینکه در مقابل دشمن باشد اگر کسی علیه دوست جد و جهد کند این جهاد نیست؛ بلکه فتنه و اخلال است. اگر کسی در مقابل دولت حق، در مقابل صلاح و نظام حق جد و جهد و تلاش کند این فتنه و محاربه است؛ جهاد نیست. حال این جد و جهدی که انجام میگیرد، به هر شکلی باشد چه به شکل نوشتن، گفتن کتاب و چه به شکل شب نامه، شایعه پراکنی نق زدن و منفی بافی همه اش فتنه گری و اغواگری و بعضی از اشکال محاربه است. اگر همه ی اینها در مقابل دشمن خدا و دشمن علی لسان الله و لسان رسوله و اولیائهم علیهم السلام باشد میشود «جهاد فی سبیل الله». پیغمبر به این گونه جهاد دعوت میکند. پس، تنبلی و نشستن و بیکارگی و بی اهمیتی از امت پیغمبر خواسته نیست. جهاد دائم

میدانهای مختلف جهاد

جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس میدانهایی دارد؛ یکی از میدانهای حضور در نبردهای مسلحانه ی رایج جهانی است. میدان سیاست هم دارد؛ میدان علم هم دارد؛ میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام میگیرد جهت دار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گماشته میشود؛ این میشود مبارزه جهاد یعنی یک چنین مبارزه ای که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه ی تقدس هم پیدا میکند. شما مبارزه ی علمی میکنید؛ زیرا این کار شما به طور واضح دشمنان بسیار سرسختیمن جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمت گیری و حرکت است. هر چه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده ایم.

شعبه های جهاد

جهاد یعنی مبارزه در زبان فارسی جنگ و ستیزه گری معنای مبارزه را نمیدهد. میگوییم من دارم مبارزه میکنم مبارزه ی علمی میکنم مبارزه ی اجتماعی میکنم مبارزه ی سیاسی میکنم، مبارزه ی مسلحانه میکنم؛ همه ی اینها مبارزه است و معنا دارد مبارزه یعنی تلاش پرنیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد در جاده ی آسفالت انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمیگویند. مبارزه آنجایی است که انسان با مانعی برخورد کند که این مانع در جبهه های انسانی میشود دشمن؛ و در جبهه های طبیعی میشود موانع طبیعی.

امیرالمومنین این کلمات را شرح میدهند-صبر، هم یقین، هم عدل، هم جهاد، مثلاً میفرمایند جهاد چهار شعبه دارد: امر به معروف، نهی از منکر و راست گویی و صداقت در مواضع، درست همین معنایی که امروز ما در موضع گیری معنا میکنیم یعنی انسان در مواضع سیاسی و اجتماعی صداقت داشته باشد. بنابراین صدق در مواضع خودش جهاد است. من المومنین رجال صدقوا عاهدوا الله علیه به آن معناست.

یکی دیگر از شعبه های جهاد و شئان الفاسقین است یعنی جدا شدن از جریان فسق و کفر این را من مخصوصاً به شما میگویم این را همه توجه داشته باشید باید حساب شما از این جریان خدا باشد با آن مخلوط نشود.

جهاد تبیین

یکی از جهادها هم جهاد فکری است چون دشمن ممکن است ما را غافل کند فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هر کس که در راه روشنگری فکر مردم تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوء فهمی شود از آنجا که در مقابله با دشمن است تلاشش جهاد نامیده میشود؛ آن هم جهادی که شاید امروز مهم محسوب میشود.

دشمن دو هدف را به نظر ما در جنگ نرم دنبال میکند حالا یک جنگهای آشکار نظامی و سخت و خشن هست که آنها حکم خودش را دارد، اما جنگ نرم مشکل تر علاج میشود و به یک معنا از جنگ سخت خطرناک تر هم هست دشمن در این جنگ نرم دو حرکت را انجام میدهد:

یکی این است که این زنجیره ی تواصی به حق و به صبر را قطع کند؛ دوم اینکه حقایق را وارونه نشان بدهد که تبلیغات فراوانی هم دارند که حقایق عالم را راحت بعکس و بدروغ وارونه نشان بدهند... دروغ گویی در باب حقیقت این قدر هم با جرئت و قاطعیت این دروغ را میگویند که هر کسی گوش کند خیال میکند که این راست میگوید. خیلی خونسرد و محکم و قاطع حقیقت را ۱۸۰ درجه وارونه نشان میدهند.

تبیین های دروغ

تبیین های دروغ، مسائلی را تبیین میکنند، تبیین های خلاف واقع، تحریف حقایق تاریخی، البته این مال حالا نیست، چند سال است یک حرکت موزیانه ای شروع شده در تطهیر رژیم طاغوت، رژیم پهلوی. خب، یک مساله ی تصویرسازی دشمن هم هست، الان یک جنگ تبلیغاتی و رسانه ای بسیار تندی علیه ما وجود دارد، درست مثل جنگ تحمیلی.

آنچه وظیفه همه ملت اسلام و همه امت اسلام است مبارزه برای روشنگری است این در درجه اول. هم علما مسئولند هم روشنفکران مسئولند، هم تحصیل کرده ها مسئولند هم همه کسانی که منبری دارند، تریبونی دارند مسئولند که روشنگری کنند و حقایق دنیای اسلام را برای مردمی که نمیدانند بیان کنند جهاد است. خطرناک ترین این حوادث حادثه ای است که فتنه باشد. فتنه یعنی حادثه غبار آلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسی دوست و چه کسی دشمن است و چه کسی با غرض وارد میدان شده و از کجا تحریک میشود. فتنه ها را باید با روشنگری خاموش کرد. هر جا روشنگری باشد فتنه انگیز دستش کوتاه میشود. هر جا حرف بی هدف تیراندازی بی هدف تهمت زدن بی هدف وجود داشته باشد فتنه انگیز خوشحال میگردد چون صحنه شلوغ میشود.

تبیین، اساس کار ما

تبیین. تبیین اساس کار ما است. ما با ذهن ها مواجهیم، با دلها مواجهیم، باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدنها به راه نمی افتد، جسمها به کار نمی افتد، این فرق تفکر اسلامی و تفکرت غیراسلامی است.

فَأَنبَأُكَ الْبَلَاغُ این آیه به پیغمبر خدا میگوید وظیفه تو رساندن است حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید، حرفهایتان را، نظراتتان را بگویید در مسائل مهم کشور در مسئله اقتصاد مقاومتی تبیین کنید در مسئله پیشرفت علمی اینها مسئله مهم کشور است.

علت ضروری تر شدن تبیین در فضای کنونی

امروز دشمن از اینکه بتواند به نظام اسلامی ضربه اساسی وارد کند ناامید است چون میداند در داخل به قدر کافی انگیزه و ایمان و صدق و آمادگی وجود دارد لذا نا امیدند از اینکه بتوانند ضربه اساسی وارد کنند اما ناامید نیستند از اینکه بتوانند نفوذ کنند. ابزارهای نفوذ هم امروز زیاد است.

سعی دارند جوان ایرانی را به شکلی بار بیاورند که خودش میپسندد. اگر جوان ایرانی به شکل آمریکا پسند و استکبار پسند رشد کرد آمریکا دیگر برای پیاده کردن نقشه های خود در ایران خرجی هزینه ای نخواهند داشت این جوان خودش مثل بی جیره و موجب برای آنها کار خواهد کرد.

آنچه در گام دوم انقلاب باید اتفاق بیفتد، اولاً شناختن و جدی گرفتن داشته های خود است، داشته های خودمان را بایستی بشناسیم و آنها را جدی بگیریم، ثانیاً، آنها را بشناسیم، فسادها را بشناسیم، راه های رخنه یدشمن را بشناسیم و در مقابل آنها به طور جدی ایستادگی کنیم. امروز گام دوم این انقلاب این است.

دوران دشوار هر انقلابی آن دورانی است که حق و باطل در آن ممزوج بشود. ببینید امیرالمومنین از این مینالد و لکن یوخذ من هذا ضغث و من هذا صغث فیمزجان فتهالک یستولی الشیطان علی اولیائه. در دوران پیامبر این طوری نبود. در دوران پیامبر صفوف صریح و روشنی بود. آن طرف کفار و مشرکان و اهل مکه بودند کسانی بودند که یکی

یکی مهاجرین از اینها خاطره داشتند او من را در فلان تاریخ زد او من را زندانی کرد او اموال من را غارت کرد بنابراین شبهه ای نبود. یهود بودند. توطئه گرانی که همه اهل مدینه از مهاجر و انصار با توطئه های آنها آشنا بودند. خیال میکنید آسان بود که عبدالله بن مسعود صحابی به این بزرگی بنا به نقل عده ای جزو پابندهای به ولایت امیرالمومنین نماند و جزو منحرفان به حساب آمد؟ همین ربیع بن خثیم و آنهایی که در جنگ صفین آمدند گفتند ما از این قتال ناراحتیم، اجازه بده به مرزها برویم و در جنگ وارد نشویم.

مهمترین برهه ای و زمان و مکانی که تبلیغ آنجا معنا میدهد، جایی است که فتنه وجود داشته باشد. بیشترین زحمت در صدر اسلام و در زمان پیغمبر، زحمات مربوط به منافقین بود.

جریان تحریف حقایق به موازات تحریم

به موازات تحریم یک جریان تحریف هم هست در کنارش یک جریان تحریف هست تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیات چه واقعیات کشور ما چه واقعیات مرتبط با کشور ما این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام میدهند. هدف از این تحریف دو چیز است دو کار را میخواهند انجام بدهند یکی ضربه به روحیه مردم است یکی هم آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است این تحریف در این زمینه ها است و با این دو هدف انجام میگردد. پول زیادی هم دارند خرج میکنند برای اینکه این حقایق را تحریف کنند.

اما آن مساله ی اول که تضعیف روحیه ی مردم و ضعیف کردن نشاط و تحرک و امید مردم است، از اول انقلاب بوده.

در آن بخش دوم، یعنی آدرس غلط دادن، آدرس دادنشان این جور است که میگویند "اگر میخواهید تحریم برطرف بشود، در مقابل آمریکا کوتاه بیایید." خلاصه حرف این است که باید کوتاه بیایید در مقابل آمریکا

آثار و ثمرات تبیین

ایجاد گفتمان با هدف ایجاد فکر و مطالبه ی عمومی

این مطالبی که عرض کردیم اینها فقط نصیحت و درد دل بین ما نیست که شما بگویید بنده بشنوم بنده بگویم شما بشنوید، باید اینها به صورت گفتمان در بیاید. گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند؛ این با گفتن حاصل میشود؛ با تبیین لازم - تبیین منطقی تبیین عالمانه و دور از زیاده روی های گوناگون حاصل میشود؛ با زبان صحیح با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد. ما امروز هر چه راجع به آینده بگوییم در حقیقت نگاه کردن و گفتن و اشاره کردن به برهه ای از زمان است که آن برهه متعلق به شما است؛ وجود واقعی شما در آن برهه تعیین کننده و کارگشا است. این موضوعی که نگاه به آینده دارد مسئله ی شعار دهه ی چهارم است که شروع شده دو عنصر برای مواجهه با این دشمنی ها لازم است. دو خصوصیت در احاد مردم لازم است: یکی عبارت است از بصیرت، و دومی عبارت است از صبر و استقامت، که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمیتواند بکند. این همان است که امیرالمومنین فرمود: "و لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمُ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ" که این در خطبه ۱۷۳ نهج البلاغه است.

یکی از راه هایی که این دو خصوصیت را بتوان در جامعه حفظ کرد عبارتست از "تواصی"، همان که در سوره والعصر هست. وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ، مردم یکدیگر را تواصی کنند، این زنجیره تواصی و توصیه کردن به یکدیگر، هم توصیه به حق کنند، راه حق را تاکید کنند، هم توصیه به صبر کنند، این ، همه را نگه میدارد.

عملیاتی شدن معارف

یکی از نیازهایی که مورد ابتلاء همه ی جوامع اسلامی و همه ی کشورهای اسلامی است و به آن نیاز دارند و بخصوص کشور عزیز ما که بحمد الله با نظام اسلامی اداره میشود به آن نیاز دارد عبارت است از اینکه ما مفاهیم اسلامی را به مرحله ی عمل و به عرصه ی عمل بکشانیم. منظومه ی معرفتی و ارزشی اسلام یک مجموعه ی مفاهیمی است که آوردن این مفاهیم به میان مردم و آنها را به مرحله و منصه عمل درآوردن یک کار بسیار بزرگ و مهمی است که ما هر جا این کار را نسبت به هر یک از این مفاهیمی که حالا بعد اجمالاً عرض خواهیم کرد انجام دادیم برای ملت و کشور و برای آبروی اسلام و جمهوری اسلامی ارزشمند بود؛ و هر جا غفلت کردیم محروم ماندیم. در واقع عرض بنده این است که عناوین و مفاهیم معرفتی اسلام جنبه عملیاتی و ترجمه عملیاتی پیدا کند و عمل به آنها ممکن و رایج بشود که این به خودی خود نمیشود و احتیاج به تلاش دارد.

در عالم فرهنگ بایستی گره گشایی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد بایستی گره های ذهنی را باز کرد و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیا؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معنا است. اگرچه که بلاغت را در کتب فنی به معنای مطابقه با مقتضای حال معنا میکنند اما آن یک معنای خاصی از بلاغت است معنای اولی و صریح بلاغت این نیست بلاغت یعنی رساندن بلاغ یعنی رساندن. اینی که مثلا میگویند حافظ این شعر فصیح و بلیغ را گفته بلیغش یعنی چه؟ یعنی مناسب مقتضای حال گفته؟ چه میدانیم ما آن وقتی که این شعر را گفته مقتضای حال بوده یا نبوده. ما الان داریم نگاه میکنیم بحث اقتضای حال نیست یعنی رسا است. بلیغ یعنی رسا بگویند روشن بگویند مبین بگویند اما آنچه را که میفهمید بگویند هیچ انتظار نیست حق هم نیست که انتظار باشد

مجاهدت تبیینی طلاب و روحانیون در برابر رژیم پهلوی

ما قدردان مبارزان دانشجویان هستیم، همراهی آنها با انقلاب را خیلی قدر میشناسیم. این مبارزان اگر منها میشد از مبارزات روحانیت و مبارزات روحانیت نبود طلبه وقتی که فرض کنید رفت، مثل همه مبارزات دانشجویی دیگر، در همان محیط دانشگاه یا چند دانشگاه دیگر، محدود میشد و یک حمله ای میکردند، یک حرکتی میکردند، یک مبارزه ای میشد و تمام میشد، اما حوزه این جور نبود. مبارزات حوزه اولاً تقریباً همه گیر بود، تقریباً همه طلاب یا اغلب طلاب درگیر مبارزه شدند. خصوصیت دوم، اثرگذاری حوزه قم بود. حوزه قم مرکب است از یک مجموعه ای که این مجموعه در جامعه میتواند اثر بگذارد.

در یک شهر کوچکی یا بزرگی و آن فکر را بنا گذاشت که تبلیغ کند و تبیین کند و منعکس و منتقل بکند به مخاطبین فرقه با یک دانشجو از زمین تا آسمان است دانشجو نمیتواند این کار را بکند اما طلبه میتواند. آن عاملی که توانست پیام مراجع را در دوره اول آن چند ماه اول و بعد پیام امام بزرگوار را که تنها این کار را انجام میدادند و این رهبری را انجام میدادند چه در دوره قم چه در دوره نجف منتشر کنند در اقصی نقاط کشور و در دلهای مردم نفوذ بدهد عامل طلبگی بود طلبه ها بودند که این کار را کردند آنها این فکر را به مردم منتقل کردند.

در انقلاب ایران همه ملت همه آحاد مردم آمدند به میدان و این بود که رژیم پرسیقه متکی به قدرتهای درجه یک عالم را نتوانست شکست بدهد و به زانو دربیاید و از میدان خارج کند. ما که اینجا توپ و تفنگی مصرف نکردیم انقلاب ایران با توپ و تفنگ و کودتا و نیروی نظامی که پیش نرفت فقط با حضور مردم پیش رفت حضور بدنهای مردم و جسم های مردم. دلهای موثر و خوبند اما دلهای وقتی در خانه ها بتپند و بیرون نیایند هیچ اثری نمیگذارند.

الگوهای تبیینی

انبیای عظام (صلوات الله علیهم؛ سرسلسله داران تبیین

امیرالمؤمنین درباره ی علت بعثت پیامبران جمله ای در نهج البلاغه ی شریف دارد که خیلی باید درباره ی آن تأمل کرد؛ میفرماید: لَيْسَتْ أَدْوَهُمْ مِثَاقُ فِطْرَتِهِ؛ پیامبران انسانها را وادار میکنند به اینکه آن معاهده ی فطری را که در نهاد بشر نهاده شده است عمل کنند، اعتراف کنند به آن معاهده خدای متعال از بشر خواسته است که آزاد باشد با عدالت زندگی کند، با صلاح زندگی کند بندگی غیر خدا را نکند. لَيْسَتْ أَدْوَهُمْ مِثَاقُ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ؛ نعمت فراموش شده را به یاد انسانها بیاورند؛ این نعمتهای الهی ما از نعمت وجود نعمت سلامت نعمت خرد نعمت خلیات نیکویی که خدای متعال در نهاد انسان به ودیعه گذاشته است غفلت میکنیم؛ بشر فراموش میکند؛ پیامبران این را به یاد انسانها می آورند. وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوْا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ؛ حجت را بر مردم تمام کنند، سخن حق را به گوش آنها برسانند، حقیقت را برای آنها آشکار کنند، پیغمبران پوشش جهل و نفاق را میدردند.

امیرالمؤمنین الگوی تبیین

در امیرالمؤمنین سه جور صفات هست: یکی آن صفات معنوی الهی است که با هیچ میزانی برای ماها اصلاً قابل سنجش نیست. یک دسته دیگر صفات برجسته انسانی اوست، اینها همان چیزهایی هستند که انسان مسلمان و غیرمسلمان و مسیحی و غیرمسیحی و بی دین و با دین و همه را مجذوب میکند. دسته سوم خصوصیات حکومتی است که نتیجه همان مسئله امامت است، امامت یعنی این جور حکومت کردن. از خصوصیات حکومتی او این است: "عدل"، "انصاف"، "برابری"... تبیین، حقایق حکومتی را برای مردم بیان میکرد

امیرالمومنین درباره علت بعثت پیامبران جمله ای در نهج البلاغه شریف دارد که خیلی باید درباره آن تامل کرد میفرماید لیستادو هم میثاق فطرتی پیامبران انسانها را وادار میکنند به اینکه آن معاهده فطری را که آن معاهده فطری را که در نهاد بشر نهاده شده عمل کنند اعتراف کنند به آن معاهده خدای متعال از بشر خواسته آزاد باشد و با عدالت زندگی کند و با صلاح زندگی کند بندگی غیر خدا را نکند.

چرا امام صادق فرمودند که هرکس یک بیت شعر درباره حادثه عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چرا؟ چون تمام دستگاه های تبلیغاتی تجهیز شده بودند برای اینکه مسئله عاشورا و اهل بیت را در انزوا و در ظلمت نگه دارند نگذارند مردم بفهمند که چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ اینجوری است. آن روزها هم مثل امروز قدرتهای ظالم و ستمگر حداکثر استفاده از تبلیغ های دروغ و مغرضانه و شیطننت آمیز را میکردند.

عمار یاسر (رضوان الله علیه)

در جنگ صفین، امیرالمؤمنین در مقابل کفار که قرار نداشت؛ جبهه ی مقابل امیرالمؤمنین جبهه ای بودند که نماز هم میخواندند، قرآن هم میخواندند ظواهر در آنها محفوظ بود؛ خیلی سخت بود کی باید اینجا روشنگری کند و حقایق را به مردم نشان دهد؟ بعضی ها حقیقتاً متزلزل میشدند. تاریخ جنگ صفین را که انسان میخواند، دلش میلرزد. در این صف عظیمی که امیرالمؤمنین به عنوان لشکریان راه انداخته بود و تا آن منطقه ی حساس در شامات در مقابل معاویه قرار گرفته بود، تزلزل اتفاقی می افتاد؛ بارها این اتفاق افتاد؛ چند ماه هم قضایا طول کشید. یک وقت خبر می آوردند که در فلان جبهه یک نفری شبهه ای برایش پیدا شده است؛ شروع کرده است به اینکه آقا ما چرا داریم میجنگیم؟ چه فایده دارد؟ چه چه اینجا اصحاب امیرالمؤمنین یعنی در واقع اصحاب خاص و خالصی که از اول اسلام با امیرالمؤمنین همراه بودند و از امیرالمؤمنین جدا نشدند. جلو می افتادند؛ از جمله جناب عمار یاسر (سلام الله علیه) که مهمترین کار را ایشان میکرد.

یکی از دفعات عمار یاسر دید که یک عده ای دچهار شبهه شده اند خودش را رساند آنجا سخنرانی کرد. یکی از حرف های او در این سخنرانی این بود که گفت این پرچمی که شما در جبهه مقابل میبینید این پرچم را من در روز احد و بدر در مقابل رسول خدا دیدم. زیر این پرچم همان کسانی آن روز ایستاده بودند که امروز هم ایستادند معاویه و عمروعاص. در جنگ احد هم معاویه هم عمروعاص و دیگر سران بنی امیه در مقابل پیغمبر قرار داشتند پرچم هم پرچم بنی امیه بود گفت اینهایی که شما میبینید در زیر این پرچم آن طرف ایستاده اند همینها زیر همین پرچم در مقابل پیغمبر ایستاده بودند و من این را به چشم خودم دیدم.

ضرورت دفاع روحانیت از حاکمیت دین مانند عمار یاسر

من در زندگی امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) که نگاه کردم دیدم هیچ کس مثل عمار یاسر نیست؛ یعنی از صحابه ی رسول الله هیچ کس نقش عمار یاسر را در طول این مدت نداشت. آنان زنده نماندند ولی ایشان حیات با برکتش ادامه پیدا کرد هر وقت برای امیرالمؤمنین یک مشکل ذهنی در مورد اصحاب پیش آمد یعنی در یک گوشه شبهه ای پیدا شد. زبان این مرد مثل سیف قاطع جلو رفت و قضیه را حل کرد. در اول خلافت حضرت همین طور در قضایای جمل و صفین هم همین طور، تا در صفین به شهادت رسید. باید مثل عمار هوشیار بود و فهمید که وظیفه چیست. نمیشود گفت به من ربطی ندارد. امروز هر روحانی و هر عمامه به سر به مقتضای تلیس به این لباس موظف است از حکومت اسلام و حاکمیت قرآن دفاع کند؛ هر کس هر طور میتواند یکی شمشیر به دست بگیرد و به جبهه میروند؛ یکی زبان گویایی دارد به منبر میروند؛ یکی پست قضاوتی با غیر قضاوتی از عهده اش بر می آید آن را انجام میدهد؛ یکی این کارها را نمیتواند بکند اما اهل مسجد و اهل محراب است اشکالی ندارد همه بدانند که این روحانی خود را خادم این انقلاب میدانند این افتخار است. خدمت به این انقلاب افتخار است. ما ها به خواب شب هم نمی دیدیم که موقعیتی پیش بیاید و ما بتوانیم این طور به اسلام خدمت بکنیم.

امیر المومنین ع اصطلاح ربیع بن خثیم را برای مقدس مابهای زمان امیرالمومنین به کار برد که وقتی او دارد با معاویه با اهل شام یا با اهل بصره میجنگد خدمتش آمدند و گفتند یا امیرالمومنین انا شک کنافی هذا القتال فرمود شک؟ چه شک؟ گفتند آنها برادر مسلمانند ما را بفرست تا برویم مرز داری کنیم فرمود بروید حاجتی به شما نداریم. واقعا هم امیرالمومنین به امثال این افراد احتیاجی نداشت. اصحاب عبدالله بن مسعود با همین خیالات باطل از دور امیرالمومنین پراکنده شدند.

هم راستایی با نقشه کلان حرکت انقلاب

یکی از نکاتی که در هر عملیات اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد آن است که مومن مجاهد در راستای فرامین رهبر معظم انقلاب و در تکمیل نقشه کلان حرکت انقلاب عمل نماید بنابراین در جهاد تبیین و همچنین در دستور کار قرار دادن موضوع ضروری زمانه باید با بیانات و موجبات و رهنمود های رهبر جامعه ارتباط گرفت

یک حرکت عمومی معقول و منضبط - وقتی میگوییم منضبط یعنی حرکت، غوغا سالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد، گاهی حرکت‌های عمومی با بلبشو و غوغا سالاری و مانند اینها همراه است، آنها ارزشی ندارد. صحیح و منتظم و عقلایی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد: اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد، یعنی این کسانی که این حرکت را انجام میدهند یا محور این حرکتند، یا لاف‌لرزه‌ها تحریک کننده این حرکتند، باید صحنه را درست بشناسند. یک عنصر دیگری که لازم است برای حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت گیری مشخصی داشته باشد، یک جهت گیری منطقی و قابل قبول. این جهت گیری به سمت جامعه اسلامی یا تمدن اسلامی است، یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه اسلامی و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته اسلامی برساند. این هم عنصر دوم.

عنصر سومی که نیاز دارد این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد. این نقطه امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمیرود. نقطه روشن عبارت است از ظرفیتهای ملی ای که ما اینها را شناخته ایم. البته نقاط امید زیاد است، یکی اش این است، یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه مقابل ماست. اگر بخواهید این حرکت با همین شتاب و با همین رفتار تداوم پیدا کند و اثربخش باشد بایستی خودمان را بسازیم ما باید کزبر الحدید باشیم مثل پاره های فولاد ایمانمان را تقویت کنیم بصیرتمان را زیاد کنیم آگاهیمان را بیشتر کنیم. عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه ای راهکارهای عملی لازم است. خب این عنصری که گفتیم که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا، منتها این آخری که مسئله ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی در پی و لحظه به لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را مهم تر از همه جوانهای جامعه را به پیش ببرد. این به عهده جریان های حلقه های میانی است، این نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه های دیگر است، بلکه به عهده ی مجموعه ای از خود ملت است.

رعایت اخلاق

ادب اسلامی را در جامعه بگسترانید. یکی از چیزهای مهم، حفظ ادب اسلامی در سخن گفتن است که متأسفانه امروز با گسترش فضای مجازی بتدریج این ادب اسلامی دارد کم رنگ میشود.

امیرالمومنین فرمود: انی اگره لکم ان تکونوا سیابین وقتی که در لشکر امیرالمومنین خطاب به لشکریان معاویه بعضی ها یک مقداری بد زبانی کردند حضرت فرمود نه بد زبانی نکنید، بدگویی نکنید، من دوست ندارم شما اینجوری باشید، این اخلاق فاطمی و علوی است. حرف اساسی و مهم در جمع ما این است که ما به مسئولیت خود که بسیار امر خطیر و سنگین و در عین حال بارزشی است، بیندیشیم، آن را پاس بداریم و از عهده ی آن برآییم.

از نظر آیت الله خامنه ای مهمترین چیزی که سران کشور ما به عنوان صاحبان اقتدار بدان نیاز دارند و عامل موفقیت است تقواست. ص ۹۸

درست بفهمیم هم درست بیان و عمل کنیم وقتی انسان درست بفهمد و درست عمل و تبیین کند موفقیت حتمی و اجتناب ناپذیر است. به همین دلیل است که بیشترین توصیه در قرآن و روایات به مومنان توصیه به تقواست. ما بیش از همه مردم به تقوا احتیاج داریم چون مسئولیتیمان سنگین است و بخشی از اقتدار ملی در اختیار ماست.

پرهیز از ترویج شایعات

بعضی با انگیزه های سیاسی و بعضی حتی با انگیزه های دینی اشخاص را مورد تخریب قرار میدهند. این چه کاری است؟ این نه منطق شرعی دارد و نه منطق عقلایی نه شرع با این کار موافق است و نه عقل اگر انسان از یک جهت گیری ناراضی است راهش تخریب و اهانت نیست راهش تبیین است.

دشمن میخواهد شایعه پراکنی کند میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر و مسئولین بدبین کند دیگران علیه کسی یا کسانی حرف بزنند ادعا کنند که اینها فلان جا خیانت کرده اند ما هم عین همان را پخش کنیم این ظلم است و قبول نیست رسانه های بیگانه کی دلشان برای ما سوخته؟ کی خواسته اند حقایق در مورد ما روشن بشود؟

رعایت اخلاق در فضای مجازی

این رسانه های الکترونیکی و اینترنتی متأسفانه موجب شده است که افراد بی محابا علیه یکدیگر حرف بزنند بد بگویند باید از طرف مسئولین کشور برای این هم یک جوری تدبیر بشود ولی عمده این است که خود ما مردم خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی؛ خودمان را مقید کنیم به قانون حالا این حرف من بهانه ای نشود برای اینکه یک عده ای بروند جوانهای انقلابی را به عنوان جوانهای تند مورد ملامت و شماتت قرار بدهند؛ نه من همه ی جوانهای غیور کشور را جوانهای مؤمن انقلابی کشور را فرزندان خودم

میدانم و پشت سر آنها قرار میگیرم من از جوانان انقلابی و مؤمن و غیور حمایت میکنم؛ منتها همه را توصیه میکنم به اینکه در رفتار خود با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند. همه باید قانون را مراعات کنند. تجسم انقلاب در قانون جمهوری اسلامی است.

رعایت اولویتهای و اصلی فرعی کردن

اگر حواستان پرت شد غافل شدید تمرکز را از دست دادید به چیز دیگری سرگرم شدید نتوانستید پیش بینی کنید که او چه کار میخواهد بکند، حتماً ضربه میخورید دشمن که خوابیده؛ او بیدار است؛ و إِنَّ أَوَّلَ الْحَرْبِ الْأَرْقُ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ. شما اگر حواست پرت شد، شما اگر از موقعیت خودت غافل شدی دلیل این نمیشود که دشمنی هم که در مقابل تو است حواست پرت شده باشد؛ او ممکن است حواست جمع باشد بزند. پس باید حواسها جمع باشد. اینکه ما این همه عرض میکنیم، توصیه میکنیم تأکید میکنیم هم به مسئولین هم به مردم که خودتان را به مسائل فرعی سرگرم نکنید برای خاطر این است. اینکه به مطبوعات به رسانه ها به روزنامه ها به پایگاه های اینترنتی که امروز رواج پیدا کرده است هی سفارش میکنیم که از وارد کردن حرفها و مطالب نادرست که ذهن مردم را مشغول میکند به فضای ذهنی مردم پرهیز کنید به خاطر این است.

توأم بودن تبیین با عمل

ارتباط برقرار کنید، خبر بدهید، خبر بگیرید، روحیه بدهید و ... كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ مردم را با زبان هم میشود دعوت کرد، اما دعوت قوی تر و بهتر، با عمل است. امام ما برای حیات دوباره اسلام، درسای همان راهی را پیمود که رسول معظم پیموده بود، یعنی راه انقلاب را.

استقامت و بصیرت

اگر زود ناامید شدید، خسته شدید، کار پیش نمیرود، ناامید نشوید، باید حرکت کنید. مخالفت با یک رئیس شهربانی سختی های فراوان داشت، چه برسد اینکه انسان بخواهد مبانی اسلام را در مواجهه ی با نظام، تشریح کند، اینها سخت بود، طحمت داشت، زندان رفتن داشت، محرومیت کشیدن داشت، اما خب ایستادند و مبارزه کردند. تکلیف ما این نیست که بگوئیم "ما گفتیم، هر کس میخواهد، عمل بکند." این مربوط به این دوره ای نیست که حکومت به دست مسلمین است، دوره ای که بار اداره ی جامعه بر دوش ما است، بخصوص دوره ای که دشمن این همه تلاش میکند، تا مفاهیم اسلامی را از ذهن ها بزداید. من از سابق مکرر گفته ام که اگر ملتی قدرت تحلیل خودش را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد.

علمی، منطقی، بدون اغراق با زبان خوش

بهترین راه کسب دل جوان و هدایت او در صراط مستقیم از نظر آیت الله خامنه ای

از لحاظ قلبی که ذکر میکنیم به خاطر این است که برای عروج انسان، بلکه برای ثبات انسان در صراط مستقیم، حقیقتاً فکر به تنهایی کافی نیست. علاوه ی بر جنبه ی اعتقادی جنبه ی قلبی و روحی لازم است؛ حالت طلوع لازم است حالت خشوع لازم است حالت ذکر و توجه به خدا برای انسان ضروری است. اگر این بود خیلی از کمبودها را جبران خواهد کرد اگر این نبود قدرت فکری و قدرت استدلال و احتجاج، در بسیاری از مواقع به کمک انسان نخواهد آمد و کمکی به انسان نخواهد کرد با نصیحت با موعظه حسنه با رفتار خوب باید دل جوان را نرم کرد؛ او را به خشوع و توسل و توجه و تذکر آشنا کرد؛ نماز را برای او درست تبیین کرد؛ ذکر الهی را برای او درست تبیین کرد. این میشود پشتوانه آن فکر.

یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی اکرم، امیرالمومنین فرمود:

طَيِّبٌ دَوَارٌ يَطْبَهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ

نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه ی روحانی و مجموعه ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم این حالت طلبگی خودمان حالت آخوندی خودمان حالت روحانی خودمان را که انس با مردم رفتن میان مردم گفتن به زبان مردم شنیدن درد دل مردم است. باید از دست ندهیم.

شجاعت

ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم در فهم، فقیهانه احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود حتی در فهم هم خلل به وجود خواهد آمد. درک روشن از کبریات و صغریات؛ گاهی انسان کبریات را درست میفهمد در صغریات اشتباه میکند. این درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کبریات و صغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم.

گاهی انسان به خاطر این ترسها به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمیفهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» خیلی مهم است؛ در این آیه ی شریفه ی الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا معلوم میشود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» میگوید: آقا اگر این کار را بکنم ممکن است در دنیا سرم کلاه برود. خب، «وَكُنْ بِاللَّهِ حَسِيبًا» محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند.

بدون مصلحت اندیشی

بعضی ها در فضای فتنه، این جمله "كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَأَنَّ الْبُؤْنَ، لَا ظَهَرَ فَيَرْكَبُ وَلَا ضَرَعَ فَيَحْلُبُ" را بد میفهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: "بکش کنار". این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو سواستفاده کند، از هیچ راه. لا ظَهَرَ فَيَرْكَبُ وَلَا ضَرَعَ فَيَحْلُبُ نه بتواند سوار بشود نه بتواند تو را بدوشد، مراقب باید بود.

به دور از فتنه انگیزی و بدون تعارف

تبیین به شکلهای مختلفی ممکن است انجام بگیرد؛ آن شکلی که در آن فتنه به وجود بیاید دعوا به وجود بیاید آن شکل مطلوب نیست. آن شکلی که برای مردم آگاهی به وجود بیاید، برای مسئولین تنبیه راه حل ها به وجود بیاید آن شکل بسیار مطلوب است؛ این اشکالی هم ندارد. جایگاه قانونی خودشان را حفظ کنند. بیان موضع گیری خوب است، البته عرض کردیم بیان موضع گیری دو جور ممکن است؛ آن جوری باشد که موجب فساد و موجد فساد باشد نباید باشد اما بیان حقایق جوری که مردم را آگاه کند مسئولین را آگاه کند، مسئولین را متشکر کند مطلوب است.

بهره گیری از عاطفه

فقه شیعه، فلسفه ی شیعه، کلام شیعی و معارف شیعی، در طول زمان در میان تحریفها، در میان شبهه افکنی ها، در میان بافندگی های شبه علمی، آن هم همراه با پشتوانه ی سیاسی ظالمانه، پشتوانه ی پولهای بیت المال که در خدمت اهداف مغرضانه قرار میگرفته، توانسته است. خود را هم سالم نگه دارد هم تکامل ببخشد، هم توسعه ببخشد و دلها و ذهنهای میلیونها انسان را در اقطار عالم - نه فقط در ایران، مقهور عظمت و استحکام خود قرار دهد. این ناشی از چیست؟ یقیناً سلامت و اصالت این فکر بیشترین تاثیر را دارد. اما جاهایی هست که قدرت علمی به تنهایی کافی نیست؛ یک چیز دیگر لازم است؛ آن چیزی که پشتوانه ی ایمانهای خالص هم همان است؛ و آن، عواطف صحیح برخاسته از معرفت درست است. این محبت ائمه، این محبت اهل بیت - همین چیزی که در قرآن هم روی آن تکیه شده؛ «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» - این تمسک به سخنان اهل بیت و راهنمایی های آنها و انگشت راهگشای اشاره ی آنها در همه ی مسائل آن عامل مهمی است که توانسته این اندیشه ی سالم و مستحکم را از گزند محفوف نگه دارد. عالمان و متفکرانی که مقهور پول و زور و قدرت و شهوت و بقیه ی لغزشگاه ها شدند، کم نیستند. آن عاملی که میتواند عالم و عامی را از این لغزشگاه ها دور نگه دارد همین جوشش ایمان آمیخته ی با عواطف است. این را شیعه حفظ کرده است.

امام فرمود: «ماه محرم ماهی است که خون بر شمشیر پیروز میشود. چگونه؟ شما جوانان عزیز آن روز در این خیابانها نبودید. در عرصه ی این دنیای بزرگ این همه حادثه ی تغییر و تحول سیاسی در قرن بیستم اتفاق افتاده است. در سال ۱۹۱۷ در روسیه انقلاب شوروی اتفاق افتاد. ادیان خصوصیتشان همین است، با مکاتب دیگر، با این ایدئولوژی ها، با این فلسفه های گوناگون فرقتان همین است که ایمانها را جلب میکند. ایمان از علم است، ایمان غیر از استدلال است، ایمان غیر از فلسفه است، ایمان یک امر قلبی است.

بهره گیری از معارف اندیشمندان انقلاب اسلامی بویژه حضرت امام و رهبر انقلاب

یکی از نکات اساسی در تبیین، آن است که مطالب متقن و صحیح برگرفته از معارف اسلام محمدی به مخاطبان عرضه شود. مسئله ی «نفی نظام سلطه» جزو کلیدواژههای اصلی است، - مسئله ی «آزادی» جزو کلیدواژههای اصلی است؛ آزادی را درست باید تبیین کنید. - مسئله ی «عدالت» جزو کلیدواژههای اصلی است... اینها را باید تبیین کنید. یعنی توصیه ی من به تشکلهای دانشجویی این است که این کلیدواژههای اساسی و اصلی را درست تبیین کنند. از بیانات امام استفاده کنید و مانند اینها.

توصیه دوم تقویت مبانی معرفتی است، این خیلی مهم است. فکر میکنید، کار میکنید، منتها محیط های جوان از جمله دانشگاه از قدیم آماج آسیب هایی بوده، از جمله دو آسیب بزرگ متوجه محیط های جوان بوده که این دو آسیب یکی انفعال است، یکی انحراف

روش ها و انحا

یکی از مهم ترین عناصر در تبیین، اتخاذ بهترین و مناسب ترین راهکار و روش از جهت مخاطب، شرایط و زمان و مکان است. عامل سوم عبارت از روش است، روش ها خیلی مهم است. در همین آیه مبارکه ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ روش را بیان فرموده است. سخن حکمت آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیر متشبهه، سخن غیر موهون و غیر ضعیف.

تشکیل هیات های اندیشه ورز

ما هیئتهای اندیشه ورز لازم داریم کجا؟ در دو نقطه یکی در رأس یکی در لایه ها لایه های گوناگون بسیج فراوان است. همین که حالا این بچه ها اینجا میگویند ما شوق داریم و ما را بفرستید و چرا نمیفرستید، همان جنگ سخت است؛ از جنگ سخت که احتیاج دارد به هیئت اندیشه ورز برای ترسیم و تعیین حدود این کار که چه کسی برود، کی برود، چه جوری برود؛ تا جنگ نرم که جنگ نرم یک عرصه ی بسیار وسیعی است و روز به روز هم با گسترش این فضای مجازی دارد گسترده تر میشود و خیلی هم خطرناک تر از جنگ سخت است یعنی در جنگ سخت جسمها به خاک و خون کشیده میشوند [اولی] روحها پرواز میکنند و میروند به بهشت؛ [اما] در جنگ نرم، اگر خدای نکرده دشمن غلبه بکند، جسمها پرواز میشوند و سالم میمانند، [اولی] روحها میروند به قعر جهنم فرقی این است؛ لذا این خیلی خطرناک تر است. هیئت اندیشه ورز لازم دارد.

حلقه های معرفتی

اینکه بین دو نماز یا بعد از نماز امام جماعت بایستد یا برود روی منبر با مردم حرف بزند یا اینکه مثلاً فرض کنید تخته سیاه در مسجد ببرند، حدیث بنویسند، برای مردم تبیین بکنند یا بنشینند با جوانهای مسجد حلقه ی معرفتی تشکیل بدهند تبیین کنند سوالاتشان را بشنوند، این کارها حالا آن طور که انسان احساس میکند از گزارشها و از حرفها رایج است، آن زمان رایج نبود. آن زمان ائمه ی جماعت عمدتاً به این اکتفا میکردند که بروند نماز را بخوانند و از مسجد بیرون بیایند. حالا یکی دو مسئله ی شرعی هم جواب بدهند و سوآلی بشود یا نشود؛ بیش از این نبود [اما] امروز بحمد الله این چیزها رایج است. و باید روزه روز این را کیفیت داد.

استفاده از محصولات چند رسانه ای و مجازی

جوانان پاسدار انقلاب از طریق هنر می توانند مکنونات قلبی خود را به مخاطبین برسانند. هنر بهترین وسیله برای انعکاس همین مفاهیم و همین مسائل است. متأسفانه دشمنان اسلام و ایران و شرف و عزت ما از هنر هم سوء استفاده کردند؛ هنوز هم دارند میکنند از شعر و نقاشی و داستان و فیلم و نمایش و بقیه ی شعبه های هنر به عنوان ابزاری برای کوبیدن فضیلت از بین بردن حقایق و فضایل معنوی و اسلامی و سوق دادن به مادیگری و عیش و عشرت مادی سوء استفاده میکنند. چه کسی باید این را جبران کند؟ شما جوانان اگر انقلاب و جامعه ی اسلامی از هنر فاخر و برجسته برخوردار نباشد نخواهد توانست مکنونات قلبی خود را به مخاطبان خودش برساند و با آنها ارتباط برقرار کند.

موضوعات نیازمند تبیین

مجاهد عرصه ی تبلیغ، خود را موظف میداند تا در هر عرصه ای که نیاز است به تبیین و تبلیغ بپردازد. در این فصل، برخی از مهمترین موضوعاتی که از سوی رهبر معظم انقلاب جهت تبیین مشخص شده است فهرست میگردد و ذیل هر کدام از عناوین نیز توضیحاتی از معظم له درج میشود اما لزوماً همه ی عناوین مورد نیاز برای تبیین منحصر در این موارد نیست موضوعات این فصل هم همه در یک وزن و سطح نیست برخی اهم و برخی همیشگی و مداوم و برخی موسمی است. از طرفی ممکن است در این زمان موضوعی دارای فوریت باشد؛ کما اینکه رهبر معظم انقلاب نیاز امروز را تبیین واقعیتهای جهان و کشور و دشمن و مقابله با جریان تحریف میدانند. یکی از راهکارهایی که رهبر انقلاب برای فهمیدن نیاز لحظه معرفی فرموده اند نقاط تمرکز تبلیغات دشمن است که در ادامه توضیح ایشان را خواهیم خواند.

اعتقادات بنیادین

سه موضوع هم در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسئله ی علم و فناوری است یکی مسئله ی اقتصاد است یکی مسئله ی فرهنگ است. . . از همه ی اینها مهم تر مسئله ی فرهنگ است؛ بخصوص در سطح باورها و عقاید مردم میبینید چقدر دارند سرمایه گذاری میکنند.

مهمترین اصول معرفت دینی

در باب محتوای اسلامی دوستان اشارات خیلی خوبی داشتند. اولین مسئله ای که باید در نظر گرفته شود مسئله ی مبدأ است، مسئله ی توحید است؛ إِنَّا لِلّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . مهمترین مشکل دنیایی که امروز رنگین ترینش در غرب متجلی است و به آن داریم اشاره میکنیم جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خدا است. البته شاید اعتقاد ظاهری و صوری و اینها وجود دارد لیکن به اعتقاد به خدا التزام نیست. اگر مسئله ی مبدأ حل شد بسیاری از مسائل حل خواهد شد.

مسئله ی دومی که مسئله ی اساسی است قضیه ی معاد، قضیه ی محاسبه، قضیه ی تمام نشدن قضایا با زوال جسم - با مرگ است؛ این خیلی مسئله ی مهمی است؛ اینکه حساب و کتابی در کار است؛ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه ی عملی اش این معنا باشد که فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، در زندگی اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد.

یکی از ابزارهای مهم ادیان که در اسلام به طور واضحی وجود دارد، مسئله ی جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ والا جهاد نخواهد شد. ایثار یعنی از خود گذشتگی در منطق عقل ابزاری از خودگذشتگی یک امر بی منطقی است. خب چرا من از خودم بگذرم؟ این اعتقاد به معاد است که این را منطقی میکند عقلانی میکند. وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه ی اعمال محفوظ است. ص ۱۶۸

بعد مسئله عدم تفکیک دنیا و آخرت است، الدنیا مزرعه الآخرة که به نظرم بعضی از دوستان هم اشاره کردند، این خیلی مهم است.

مسئله دیگر مسئله انسان است، نگاه اسلام به انسان، محور بودن انسان. این موضوع در اسلام خیلی معنای وسیعی دارد. پیدا است انسان اسلامی با انسانی که در فلسفه های مادی غرب و پوزیتیویسم قرن نوزده و اینها مطرح است، بکلی متفاوت است، این یک انسان است، آن یک انسان دیگر است.

انسان موجودی است مکلف، مختار، و مواجه با هدایت الهی أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ. ولسانا و شفقتین. و هدیه انجدين. میتواند هدایت را انتخاب کند، میتواند ضلالت را انتخاب کند.

مسئله بعد، مسئله حکومت اس، که باز در این باب هم اسلام نظرات ویژه ای دارد. صلاح فردی در امر حکومت در اسلام، یک امر بسیار مهم و اساسی است.

مهدویت و انتظار ظهور

در سندی که من دیدم بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه میکنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، بتدریج از بین مردم زایل شود آن روز استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در بعضی کشورهای آن مناطق آفریقایی بودند فرقی نمیکند که استعمار از کجا باشد استعماران خارجی قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است ما نمیتوانیم کشورهايشان را درست در اختیار گیریم.

ببینید، عقیده به مهدویت چقدر مهم است... چند خصوصیت در عقیده ی مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملتی به منزله ی خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند ملتهای ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمیکند؛ میگویند چه فایده ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم این روح ناامیدی است. استعمار این را میخواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملتهای مسلمان و از جمله ملت عزیز ایران دچار ناامیدی شود. ص ۱۷۲

همه چیز مقدمه است؛ جامعه ی اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که ليقوم الناس بالقسط» که به عنوان هدف انبیا ذکر شده قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد.

مسئله ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله ی مهدویت است، از آن کلیدواژه های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقب یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظار یک موجود حتی و حاضر؛ این خیلی مسئله ی مهمی است.

حوزه های علمیه اساسی ترین کاری که امروز بر عهده دارند به صورت جمعی و همچنین فضایی توانایی بر این کار به صورت فردی وظیفه شان تولید فکر است؛ تولید فکر اسلامی است.

تبیین و تحکیم این مبنای قویم اسلامی ایستادگی در مقابل شبهاتی که دشمنان حاکمیت اسلام وارد میکنند بر ذهنها برای اینکه بتوانند بلکه آن شکست سختی را که از اسلام خوردند به این وسیله جبران کنند. البته نخواهند توانست.

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی حرف نویی دارد؛ این حرف نو عبارت است از مردم و ارزشهای الهی این دو تا باید با هم توأم بشوند و حرکتهای و جوامع را شکل بدهند این حرف ما است. ارزشهای معنوی و ارزشهای الهی همراه با اراده ی مردم نه تحمیل بر مردم این حرف جدید جمهوری اسلامی است که از خود کلمه ی جمهوری اسلامی هم بر می آید. ما هم جمهوری هستیم هم اسلامی هستیم این را بایستی تبیین کرد؛ و شما برای این کار میدان دارید میتوانید حرکت کنید.

آن چیزی که اینجا میتواند به این کشورها کمک کند تفکر مردم سالاری دینی است مردم سالاری دینی که ابتکار امام بزرگوار ما است میتواند نسخه ای برای همه ی این کشورها باشد؛ هم مردم سالاری است هم از متن دین برخاسته است. البته ممکن است فقهای اهل سنت چه فقهای شافعی در مصر چه مالکیها در بعضی دیگر از کشورهای آن منطقه، چه حنفی ها در بعضی از کشورهای دیگر معتقد به ولایت فقیه نباشند؛ خیلی خب ما نمیخواهیم حتماً مبنای فقهی خودمان را به آنها عرضه کنیم یا اصرار کنیم. اما مردم سالاری دینی ممکن است شکلهای گوناگونی پیدا کند.

جهاد کبیر

امروز این جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است؛ تبیین بیان کردن، روشنگری امروز روشنگری لازم است. سعی کنید ذهنها را با عمق یابی به اعماق حقایق و مسائل برسانید. این دانشگاه شما میتواند کارهای بزرگی را در این زمینه انجام بدهد و میتواند تبیین را یکی از برنامه های اساسی خودش قرار بدهد؛ هم در بین مجموعه ی خودی هم در قلمرو وسیع تری تا آنجایی که امکاناتش اجازه بدهد.

اهداف و آرمانهای انقلاب

در کنار آسیب شناسی ها، تبیین هدفها است. اگر هدفها تبیین نشد سردرگمی به وجود می آید آشفتگی به وجود می آید. باید هدفها تبیین شود یکی از مهمترین هدفهای این بیداری راهایی از شر سلطه ی استکبار جهانی است؛ این را باید صریح گفت اینکه ما خیال کنیم استکبار جهانی به سردمداری آمریکا در مقابل حرکتهای اسلامی ممکن است کنار بیاید این خطا است. اگر اسلام باشد، اسلامی ها باشد، آمریکا با همه وجود تلاش میکند آنها را از بین ببرد، البته ظاهراً لبخند خواهد زد. هدف ها باید ترسیم شود، یکی از هدفهای مهمی که در این انقلاب ها باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود. اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد.

یکی دیگر از هدفها، نظام سازی است، اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام سازی نشود، آنها را خطر تهدید میکند.

بعضی از آرمانها، آرمانهای کلان نظام جمهوری اسلامی اند، آرمانهای بلندمدت و میان مدت هستند و البته آرمانهای اساسی هستند که باید به آنها توجه کرد، مثل تشکیل جامعه ی اسلامی یا استقرار عدالت اجتماعی یا مسئله استقلال، مسئله آزادی و مانند اینها. بعضی از این آرمانهایی که دنبالش هستیم و باید دنبالش باشیم و در این تحول به آنها توجه کنیم، در واقع سیاستهایی هستند در جهت اداره کشور و امنیت بخشیدن به انقلاب و انقلاب را حفظ کردن ریال مثل نهاسازی هایی که شد: تشکیل سپاه، تشکیل جهاد سازندگی، تشکیل بسیج.

آرمان گرایی را فراموش نکنید، آرمان ها چیست؟ رسیدن به جامعه ی عادل، جامعه ی آزاد، جامعه ی پیشرفته، جامعه ی مومن، جامعه متعبد، جامعه مستقل، اینها آرمان است.

واقعتهای کشور، منطقه و نظام سلطه

اگر شما تبلیغات اینها را نگاه کنید میبینید که در مورد کشور عزیز و ملت بزرگ و قهرمان و در عین حال مظلوم ما بر روی چند نقطه متمرکزند.... نقطه ی دوم تیره و تار و مبهم جلوه دادن آینده است. سعی دشمن این است که نشان دهد آینده مبهم و تیره و تار است و معلوم نیست که چه خواهد شد و به کجا میرسند. وظیفه ی مبلغ دین و مبلغ

معنویت و پیام آور حقیقت این است که مردم را امیدوار کند و یأس را از آنها بزدايد. یاس، بزرگترین دشمن یک ملت است. باید تلاش گردد که یاس از مردم زدوده شود. نگاه کنید ببینید در منطقه ای که مورد بحث شما است، مخاطبان چه زبانی نیاز دارد به هر تقدیر باید مانع شوید که یأس در دلها راه پیدا کند.

کاری که دشمن میخواهد بکند این است که یأس را بر دلها حاکم کند و هر کس به گونه ای مأیوس باشد دانشجو یک طور دانش آموز یک طور کارگر یک طور روحانی یک طور کاسب یک طور اداری یک طور مسئول دولتی یک طور مسئول بلند پایه یک طور هر کدام روشهایی دارند؛ ما از نزدیک میبینیم روشهایی دارند که حتی برخی از مسئولان بلند پایه را هم در یک کشور مأیوس کنند ما مسئولانی را از کشورهای دیگر می بینیم که گاهی با ما صحبت میکنند، دلشان پر از یاس است. واقعاً آدم مأیوس چه کار میتواند بکند؟ ما سعی کردیم یأس را از دلهای آنها بیرون بکشیم و به جایش امید تزریق کنیم. بحمد الله ملت ما، ملت امیدوار و با نشاطی است. در مردم امید را تزریق کنید. استقلال ابعادش تا اینجاها است. مسئله ی نفی نظام سلطه جزو کلیدواژه های اصلی است. مسئله ی «آزادی» جزو کلیدواژه های اصلی است؛ آزادی را درست باید تبیین کنید. مسئله ی «عدالت» جزو کلیدواژه های اصلی است؛ و از این قبیل. اینها را باید تبیین کنید. یعنی توصیه ی من به تشکلهای دانشجویی این است که این کلیدواژه های اساسی و اصلی را درست تبیین کنند.

سعی دشمن این است که نشان دهد آینده مبهم و تیره و تاریک است و معلوم نیست که چه خواهد شد و به کجا میرسند. وظیفه ی مبلغ دین و مبلغ معنویت و پیام آور حقیقت این است که مردم را امیدوار کند و یأس را از آنها بزدايد. یاس، بزرگ ترین دشمن یک ملت است. باید تلاش گردد که یاس از مردم زدوده شود.

واقعیت کشور

بسیج، که بسیج مصداق این آیه ی شریفه است: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ. بعد از جنگ احد شایعه انداختند که بنا است به مدینه حمله بشود بترسید از دشمن؛ فَرَّادَهُمْ إِيْمَانًا؛ اما مؤمنین در مقابل این تهدیدها و عربده کشی ها ایمانشان بیشتر شد، و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل؛ این بسیج است. بسیج مصداق همین آیه ی شریفه است که در مقابل تهدید دشمن نه فقط عقب نشینی نمیکند بلکه «فَرَّادَهُمْ» ایماناً ایمانش افزایش پیدا میکند.

حجاب

نقش زن در خانواده هم برجسته میشود؛ نقش مادری، نقش همسری نقش کدبانویی و مانند اینها برجسته میشود؛ این چیزی است که در غرب روز به روز دارد کم رنگ تر میشود؛ خانواده در غرب دارد رو به اضمحلال میرود. خانواده یک کانون گرم و پر برکتی است که قوی ترین پایه های تربیت انسان در این کانون گذاشته میشود. در کانون خانواده است که اولین و مهم ترین پایه های تربیت روحی و فکری بشر بنا نهاده میشود. خانه بهترین محیط آسایش جسم و جان است. بعضی میگویند حجاب مانع از رشد زن و ترقی زن است؛ نه بعکس؛ حجاب مانع از آن خودنمایی های بی موردی است که مانع حرکت زن میشود. ما امروز هزاران بانوی بزرگ و برجسته در صحنه های گوناگون علمی و عملی و اجتماعی و سیاسی و فنی داریم که همه با حجاب کامل در حال زندگی هستند.

موانع پیشروی انقلاب

انقلاب میخواست به همه کسانی که در هر نقطه ای از دنیای اسلام هستند، نشان بدهد که این الگو تحقق یافتنی و شدنی است. این هم نمونه اش. این آن چیزی بود که به عنوان هدف انقلاب وجود داشت. این هدف از اول بود، که امروز هم همین هدف است. حلقه دوم بحث این است که این هدف را انقلاب اسلامی داشت، ما در خلا که زندگی نمیکنیم، ما در یک واقعیاتی داریم زندگی میکنیم این واقعیات چقدر برای رسیدن به این هدفها کمک بود یا مزاحمت بود؟

ما دو نوع موانع داشتیم، موانع درونی و موانع بیرونی. موانع درونی یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسانها وجود دارد، اینها موانع درونی است. موانع درونی، ضعف هاست، ضعفهای فکری است، ضعفهای عقلانی است، راحت طلبی است، آسان گرایی است، آسان پنداری است. گریز از چالش هم یکی از ضعفهای درونی است. به گریز از چالش بغلط میگویند عافیت طلبی عافیت طلبی چیز خوبی است. عافیت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است؛ یا ولی الْعَافِيَةِ اسْتَطَلَكَ الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ الدِّينِ وَالْأَخْرَةِ. عافیت به معنای پنجه نیفکندن نیست؛ به معنای درست عمل کردن، بجا قدم گذاشتن، بجا ضربت زدن و بجا عقب کشیدن است.

یکی دیگر از ضعفهای درونی، عبارت است از تربیت های اجتماعی موجود و عاداتهای تاریخی.

آن وقت عوامل بیرونی است، که دیگر ماشالله وجود داشته است، همه کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدفهای انقلاب متضرر میشوند.

در سوره ی مبارکه ی فتح آمده است: وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأَذْهَابَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُبْحَانَ اللَّهِ الَّتِي فَدَّ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ وَلَنْ تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ اگر بایستید، اگر استقامت کنید اگر هدف را گم نکنید اگر تلاش را متوقف نکنید بدون تردید غلبه در این عرصه با شما است.

نفوذ

نفوذ دو جور است یک نفوذ موردی است نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است نفوذ موردی خیلی نمونه دارد معنایش این است که فرض کنید شما یک دم و دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره ی آرایش شده، بزرگ شده با ماسک در مجموعه ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است در حالی که او دوست نیست تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم اهمیت ترینش جاسوسی است خبرکشی و خبردهی است. خطرناک ترین نفوذ جریانی است نفوذ جریانی یعنی شبکه سازی در داخل ملت به وسیله ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. عمده ترین وسیله دو چیز است؛ یکی پول یکی هم جاذبه های جنسی افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها تغییر آرمانها، تغییر نگاه ها تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند. آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم گیران یا تصمیم سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی میشود روی اینها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است. اینکه حالا یکی بگوید آن آقای زید از کلمه ی نفوذ میخواهد استفاده ی جناحی بکند این مسئله را از اهمیت نمی اندازد. حالا بکند یا نکند بیخود میکند استفاده جناحی میکند؛ واقعیت قضیه این است؛ از این واقعیت که نمیشود صرف نظر کرد.

مرحله ای که در آن هستیم

اهدافی وجود دارد؛ نظام اسلامی در هر مرحله ای یکی از این اهداف را دنبال میکند برای پیشرفت برای رسیدن به نقطه ی تعالی و اوج برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد. البته مرحله گذاری است قطعه قطعه است. راهنمایان و هادیان و متفکران و مسئولان مربوط این قطعات را معین میکنند، هدفگذاری میکنند حرکت جمعی آغاز میشود همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی است. این را همه ی فعالان عرصه ی سیاست و مدیریت کلان کشور باید همواره به یاد داشته باشند؛ اتحاد مردم، شما عزیزان بسیجی - فعالان عرصه ی بسیج - هم باید این را همواره به یاد داشته باشید.

مردم را باید حفظ کرد باید نگه داشت؛ و این از عهده ی شماها بر می آید؛ از عهده ی روشنفکران نویسندگان شاعران علمای دین از همه مؤثرتر، علمای دین هستند که وظیفه ی سنگینی بر عهده دارند؛ برای مردم تبیین کنند روشن کنند که چه میخواهند، تبیین کنند که در کجای این راه قرار دارند تبیین کنند که موانع چیست، دشمن کیست؛ مردم را آگاه و با بصیرت نگه دارند آن وقت هیچ صدمه ای نمیتواند وارد شود.

این جامعه وقتی تشکیل شد مهم ترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه سار چنین اجتماعی چنین حکومتی چنین فضایی به کمال کمال الهی برسند؛ که وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ انسانها معنوی و به عبودیت برسند. لِيَعْبُدُونِ را معنا کردند به «لایعرفون». این معنایش این نیست که «عبد» به معنای «عَرَفَ» است عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد امکان ندارد عبادت نیست بنابراین جامعه ای که به عبودیت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق الله پیدا میکند؛ این آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهایی آن است؛ و هدف قبل از آن ایجاد جامعه ی اسلامی است که هدف بسیار بزرگ و بسیار والایی است.

نماز

این وظیفه در عمل شخصی کیفیت بخشیدن به نماز است و در تلاش اجتماعی، ترویج نماز و همگانی کردن آن. کیفیت یافتن نماز بدین معنی است که نماز با حال و حضور اداء شود؛ نمازگزار به نماز با چشم میعاد ملاقات با خدا بنگرد و در آن با خدای خود سخن بگوید و خود را در حضور او ببیند؛ نماز را تا میتواند در مسجد و تا میتواند به جماعت بگذارد. و ترویج نماز هر حرکت و تلاشی است که در راه همگانی کردن آن، و تبیین اهمیت آن و آسان کردن دسترسی به آن بتوان صورت داد. واقع قضیه این است که نمازهای ما یا در موارد بسیاری بی کیفیت است یا کیفیت لازم را ندارد. به عمق اذکار نماز باید رسید خب نماز ما باید از این آفات چهارواداری مصون و محفوظ بماند؛ یعنی آفت غفلت در حال نماز بی توجهی به مفاهیم نماز و به مخاطب نماز که ذات اقدس الهی است؛ این یکی از آفات است.

برترین انسان تاریخ یعنی پیامبر گرامی اسلام میفرماید: نماز نور چشم من است و در هنگام فرارسیدن وقت نماز از مؤذن خود میخواهد که با سردادن بانگ اذان جان او را کامیاب و سرشار از راحت و امنیت سازد. شاید بتوان گفت که هیچ عامل عبادی دیگری این گونه در همه ی مراحل تکامل معنوی انسان برای او کارگشا و نیروبخش نیست.

ایام الله

ذکرهم بایام الله، خداوند متعال در قرآن دستور میدهد به پیغمبر که آنها را به یاد ایام الله بیندازد ایام الله همین روزهای بزرگ تاریخ ساز است. خب، هشت سال دفاع مقدس به یک معنا هر روزش را حساب کنیم جزو این ایام الله است؛ نباید بگذاریم که این حوادث به دست فراموشی سپرده بشود. قرآن ما را تعلیم میدهد؛ این یادهایی که در قرآن شده است: وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ، وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ نباید بگذاریم فراموش بشود. قرآن به ما یاد میدهد که اینها را به یاد بیاور اینها را تکرار کن. شما ببینید داستان حضرت موسی و داستان حضرت ابراهیم و دیگر داستانها در قرآن چقدر تکرار شده باید به یاد آورد باید نگذاشت فراموش بشود. ما البته در این زمینه شاهد تلاشهایی هستیم.

سیره شهدا

یک مسئله ی دیگر بحث آرمانهای اینها است. خب، آرمان جوانها چه بود؟ اینهایی که رفتند جنگیدند با چه اهداف بلندی رفتند جنگیدند؟ آیا مسئله فقط یک جنگ ارضی و مرزی و مانند اینها بود که دشمنی متعرض مرزهای ما شده و ما میخواستیم دشمن را عقب بزنیم؟ آرمانشان اسلام بود، آرمانشان خدا بود آرمانشان حکومت دینی و اسلامی بود؛ این بود که این جوان را میکشاند میبرد جبهه. زندگی این دنیا؛ بلکه خدای متعال در نقشه ی جامع زندگی طولانی بشر در دنیا و آخرت برای این حقیقت برای این پدیده یعنی پدیده ی کار یک جایگاه والایی درست کرده است. پیغمبر اکرم فرمود: هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهَا النَّارُ أَبَدًا. وقتی پیغمبر دست کارگر را گرفت و بوسید، همه تعجب کردند. حضرت فرمود این دستی است که آتش آن را لمس نمیکند؛ این دستی است که به آتش نمیرسد.

وجدان کاری و انضباط اجتماعی

باید کسانی که منادی و محافظ مسال فرهنگی هستند، آن مسائل را ترویج کنند، مسال را درست برای مردن بشکافند و تبیین نمایند. همه باید کارشان را با جدیت و به نیکی انجام دهند. از نبی اکرم (صلوات الله وسلامه علیه) نقل شده است که فرمود: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَمِلَ عَمَلًا فَاتَّقَنَهُ؛ رحمت خدا بر انسانی که کاری را انجام دهد و آن را نیکو و محکم و متقن و صحیح انجام دهد. از سرهم بندی و کار را به امان و حال خود رها کردن و به کار نپرداختن و بی اعتنائی به استحکام یک کار بشدت پرهیز شود. این مربوط به وجدان کاری است. در مورد انضباط اجتماعی نیز همین است که همه حد اجتماعی صحیحی را که قانون معنی میکند و مقررات و حدود الهی معین مینماید، با دقت رعایت کنند تا زندگی یک زندگی صحیح و سالمی باشد.

ضررهای خرافات و بدعت ها

آقای بروجردی (رضوان الله تعالی علیه آن عالم بزرگ و مجتهد قوی و عمیق و روشنفکر، عتبه بوسی را با اینکه شاید مستحب باشد منع میکرد. احتمالاً استحباب بوسیدن عتبه در روایت وارد شده است؛ در کتب دعا که هست به ذهنم این است که برای عتبه بوسی روایت هم وجود دارد. با اینکه این کار مستحب است ایشان میگفتند انجامش ندهید تا مبدا دشمنان خیال کنند سجده میکنیم و علیه شیعہ، تشیعی درست نکنند. دین منطقی است، اسلام منطقی است و منطقی ترین بخش الام، تفسیری است که شیعہ از اسلام دارد، تفسیری قوی.

حوادث واقعه

گاهی شرایط خاصی در کشور پیش می آید که تبیین لحظه ای را میطلبد. در دوران نهضت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در موارد متعددی نیاز به تبیین های مقطعی بوده است و در این موارد لازم است آحاد ملت و بویژه افشار تأثیرگذار به میدان تبیین بیاوند در تاریخ انقلاب اسلامی میتوان موارد زیر را برشمرد بیان جنایات رژیم در بهار ۴۲ که به صورت تکلیف ویژه در محرم سال ۴۲ به علما و مبلغان از سوی حضرت امام ابلاغ گردید ماجرای توهین به حضرت امام در روزنامه ی اطلاعات در سال ۵۶، تبیین حضور میدانی در دی ماه و بهمن ماه ۵۷ تبیین جمهوری اسلامی در ایام همه پرسی، تبیین وجوب کمک به جبهه ها در دوران دفاع مقدس، تبیین اقدامات و جنایات اسرائیل و یا سازش کاران نسبت به فلسطین در سالهای مختلف، فتنه ها، تبیین حضور حداکثری در انتخابات یا راه پیمائی ها، تبیین اقدام دشمن شاد کن از سوی آیت الله منتظری و ...

وظایف افشار خاص

مسئولان

با مردم حرف بزنید، حرف زدن با مردم به صورت رودررو، با مردم حرف بزنید مسائل را به مردم بگوئید. بگوئید که دشمن میخواهد از رخنه ی اقتصادی استفاده کند، این را صریح به مریم بگوئید. حرف زدن با مردم، و مشکلات را و راه حل ها را با مردم در میان گذاشتن هم یکی از جلوه های مردمی بودن است. مسئله تان را با مردم مطرح کنید.

مجلس روشنگر

ما بارها عرض کرده ایم که امیرالمؤمنین در جنگ صفین شاید این جمله را درباره ی عمار هم فرموده باشد مکرر این جمله را میفرمود: آلا و لا يحمل هذا العلم إلا أهل البصر و الصبر چه عبارت زیبایی هم هست؛ حروف بصر و صبر یکی است ترکیبش دو تا است؛ و چه زیبا! فقط اهل بصیرت و پایداری میتوانند این پرچم را بردارند بصیرت را باید در خودمان تقویت کنیم.

تبیین محکومیت مفسدین اقتصادی برای مردم

واقعا با فساد مبارزه بشود... ما برخورد کنیم، بعد برخورد را به مردم بگوئیم. یک نفر فاسد را پیدا کنیم یا یک گروه فاسد را پیدا کنیم، برخورد قانونی قوی رضایت بخش بکنیم، بعد همین را به اطلاع مردم برسانیم. بگوئیم این کار اتفاق افتاد؛ این خوب است، این درست است. البته این کار -مسئله ی برخورد- مربوط میشود به وزرا و مدیران ارشد؛ اینها باید که باید برخورد کنند؛ یعنی این ارتباط به قوه ی قضائیه پیدا نمیکند؛ شما باید برخورد کنید و شما باید از قوه ی قضائیه بخواهید که وارد بشوند. به نظر من در مجموع، دستگاه یک خطای دوپایه ای را دارد در زمینه ی برخورد با مسائل اقتصادی انجام میدهد، یک پایه عبارت است از نوعی حرف زدن و مشی کردن که تلقی عمومی این باشد که فساد عمومی است در حالی که فساد عمومی نیست. پایه ی غلط دوم اینکه با آن موردی که واقعا فساد است، برخورد قاطع و روشن نمیکنیم. باید برخورد بشود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی

فلسفه ی وجودی شورای عالی انقلاب فرهنگی فهم و تبیین و تثبیت و انفاذ ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و بازآرایی مداوم جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی و پایش پیشرفتهای فرهنگی کشور متناسب با ظرفیتهای و شایستگیهای عظیم ایران اسلامی و انقلابی است.

آماج حملات جنگ نرم مسئولین و مردم

آماج حملات جنگ نرم دو مرکز هستند یکی مسئولین جداگانه آماجند، مردم جداگانه -

هدف جنگ نرم از حمله به مردم

هدف دیگر دشمن از جنگ نرم سست کردن ایمان و باز داشتن مردم از حرکت البته در کنار تغییر باورها سست کردن ایمان کشاندن به انواع و اقسام چیزهایی که انسان را از حرکت باز میدارد؛ از مواد مخدر به اشکال گوناگونش گرفته تا شهوات و چیزهایی که میدانید. این جزو کارهایی که است که جنگ نرم امروز دارد دنبال میکند.

سازمان تبلیغات اسلامی

آشنایی با جریانهای فکری عالم از جمله مقولاتی است که در حوزه ها لازم و ضروری است؛ بدون آن آنچه را که برای تبلیغ تصمیم میگیریم و عمل میکنیم نمیتوانیم اطمینان داشته باشیم که بجا واقع خواهد شد. اگر مخاطبان خودمان را انتخاب نکنیم و آنها را شناسیم و جریانهای فکری محیط بر آنها را شناسیم، ممکن است چیزی بگوئیم که در ذهنشان قرار ندارد و مورد استفهام و استبصارشان نیست؛ یعنی کار بیهوده ای انجام داده ایم.

سازمان تبلیغات اسلامی یکی از مهمترین رویشهای انقلاب اسلامی است که با تصمیمی روشن بینانه و ژرف نگرا نه با هدف تبلیغ و عرضه اندیشه ی تابناک اسلام ناب محمدی (صلوات الله علیه وآله) به جامعه انقلابی بویژه جوانان جویای حقیقت و معرفت شکل گرفت. این سازمان بحمد الله طی حدود چهار دهه ی اخیر منشأ خدمات و برکاتی بوده است و امروز ضرورت وجودی آن نه تنها کاهش نیافته بلکه ضریبی فزاینده یافته است.

نقش تبیینی خبرگان

مجلس خبرگان متشکل از بزرگان و علما و شخصیت‌های موجه در استانها هستند؛ میتوانند تأثیر بگذارند میتوانند حرف مردم را بشنوند و آن را در اینجا مطرح کنند؛ مجلس خبرگان یک واسطه ای بشود بین خواسته های مردم و بین مسئولین محترم دولتی یا قضائی؛ این یکی از کارها است. یا اینکه حقایق را مطالب مهم را با توجه به جایگاه خبرگانی خودشان و شخصیت حقیقی خودشان برای مردم تبیین کنند؛ چه در نمازهای جمعه چه در جاهای دیگر... وظیفه ی اصلی ماعبارت است از تبیین؛ باید تبیین کنیم.

قرارگاه تبیینی نماز جمعه

نماز جمعه آنچنان که اسم آن پیداست، محل جمع است، محل اجتماع است، این هم یک فرصت بزرگی است برای تبیین کردن. خوب حالا که این جور شد پس نماز جمعه قلب فرهنگی هر شهر است؛ مرکز فرهنگی هر شهر نماز جمعه است؛ البته شرایطی دارد که حالا بعضی از اینها را عرض خواهیم کرد. جایی است که آنجا هدایتگری انجام میگیرد؛ من تأکید میکنم این هدایتگری صرفاً هدایتگری سیاسی نیست هدایتگری سیاسی و فرهنگی است.

علما و مبلغان

هدف باید "صراط الله" باشد، صِرَاطُ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ، اِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ. هدف تمام پیامبران، کشاندن مردم به صراط مستقیم است و صراط مستقیم هم یعنی عبودیت، وَ اَنْ اَعْبُدُوْنِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ. باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است سوق دهید. البته این عبودیت در زمینه ی اخلاق، در زمینه ی فردی و در زمینه عمل اجتماعی کاربرد دارد.

صلاح عالم فقط در تحصیل علم و عبادت حق نیست، صلاح عالم در تبیین و تعلیم و عمل به علم است و این وظیفه ی بزرگی است که امروز اهمیت پیدا کرده است زیرا هیچ گاه علمای اسلامی به اندازه ی امروز امکان کار و مسئولیت سنگین نداشته اند... امروز هر کس در هر نقطه ای از کشور یک آیه از قرآن کریم را برای مردم تبیین کند هر کس یک جوان را از فساد و تباهی باز دارد و هر کس جلوی یک گناه را بگیرد، در واقع به جمهوری اسلامی ایران کمک کرده است و ما او را سرباز نظام اسلامی میدانیم.

ما توصیه نمیکنیم که منبرها و سخنرانی ها را به جنبه های فردی و شخصی منحصر کنید، نه، ممکن است یک سخنرانی، یک منبر، یک سلسله منبر، منحصر به این معانی باشد اما در کنار آن بایستی صحنه ی زندگی اجتماعی - سیاسی انسان هم میدان عبودیت الهی باشد.

به طور خلاصه وقتی که یک روحانی را در نظر میگیریم، سه کار عمده بر عهده ی این روحانی است. اول هدایت فکری و معنوی هدایت دینی؛ دوم هدایت سیاسی بصیرت افزایی سیاسی؛ و سوم راهنمایی خدمات اجتماعی غمخواری خدمت رسانی برای متن جامعه.

هنرمندان و شاعران

مهم ترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است؛ «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»؛ این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک میکنید آن را تبیین کنید کسی انتظار ندارد بر خلاف آنچه که میفهمید حرف بزنید نه آنچه را که میفهمید بگویید. البته برای اینکه آنچه میفهمید درست و صواب باشد باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادث فتنه گون شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است شناخت دشمن و دوست دشوار است.

فصل دوم: نکات مهم جهاد تبیین در اندیشه آیت الله خامنه ای

۱- در فرهنگ اسلامی و دینی هر عملی که مواجهه با دشمن و با تحمل سختی و مشقت و با تلاش و کوشش انجام گیرد جهاد نام دارد و اجر فراوانی برای آن ذکر شده است. البته برخی از مصادیق جهاد واجب بوده و در صورت کوتاهی در انجام آن مجازات اخروی و بعضاً دنیوی بر آن باز میگردد. جهاد میتواند جنگ رو در رو یا جنگ اقتصادی یا فرهنگی و... باشد. رهبر انقلاب با بهره گیری از این مفهوم دینی تعبیر جهاد تبیین را بکار برده اند.

۲- جهاد یعنی چه؟ هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است، این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض آلودی که دارد انجام میگیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهت گیری خصمانه وجود دارد، یکی از شرایط اصلی جهاد است.

جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود استمرار و همه جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. این جور تحرکی اسمش جهاد است. بنابراین جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه جانبه هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم آلود و غرض آلود دشمن. جهاد فقط در میدان جنگ نیست در میدان علم هم مثل بقیه میادین زندگی جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی وقفه همراه با خطر پذیری-در حد معقول البته-و پیشرفت و امید به آینده.

۳- مبارزه در آنجا که دشمن نیست معنا ندارد. پس جهاد متقوم بر این دو رکن است: یکی اینکه در آن جد و جهد باشد دیگر اینکه در مقابل دشمن باشد. اگر کسی علیه دوست جد و جهد کند این جهاد نیست بتنه فتنه و اخلاص است. اگر کسی در مقابل دولت حق، در مقابل صلاح و نظام حق، جد و جهد و تلاش کن، این فتنه و محاربه است جهاد نیست. حال این جد و جهدی که انجام میگیرد به هر شکلی باشد چه به شکل نوشتن، گفتن، کتاب و چه به شکل شب نامه، شایعه پراکنی، نق زدن و منفی بافی همه اش فتنه گری و اغوا گری و بعضی از اشکالش محاربه است. اگر همه اینها در مقابل دشمن خدا و دشمن علی لسان الله و لسان رسوله و اولیائه علیهم السلام باشد، میشود جهاد فی سبیل الله. پیغمبر به این گونه به جهاد دعوت میکند. پس تنبلی و نشستن و بیکارگی و بی اهمتمی از امت پیغمبر خواسته نیست، جهاد دائم

۴- یکی دیگر از شعبه های جهاد و شتات الفاسقین است یعنی جدا شدن از جریان فسق و کفر این را من مخصوصاً به شما میگویم این را همه توجه داشته باشید باید حساب شما از این جریان خدا باشد با آن مخلوط نشود.

۵- یکی از جهادها هم جهاد فکری است چون دشمن ممکن است ما را غافل کند فکر ما را منحرف سازد و دچار خطا و اشتباهمان گرداند؛ هر کس که در راه روشنگری فکر مردم تلاشی بکند، از انحرافی جلوگیری نماید و مانع سوء فهمی شود از آنجا که در مقابله با دشمن است تلاشش جهاد نامیده میشود؛ آن هم جهادی که شاید امروز مهم محسوب میشود..

۶- فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ این آیه به پیغمبر خدا میگوید وظیفه تو رساندن است حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید، حرفهایتان را، نظراتتان را بگویید در مسائل مهم کشور در مسئله اقتصاد مقاومتی تبیین کنید در مسئله پیشرفت علمی اینها مسئله مهم کشور است.

۷- سخت ترین دوره هر انقلاب: دوران دشوار هر انقلابی آن دورانی است که حق و باطل در آن ممزوج بشود. ببینید امیرالمومنین از این مینالد و لکن یوخذ من هذا ضغث و من هذا صغث فیمزجان فیهتالک یستولی الشیطان علی اولیائه. در دوران پیامبر این طوری نبود. در دوران پیامبر صفوف صریح و روشنی بود. آن طرف کفار و مشرکان و اهل مکه بودند کسانی بودند که یکی یکی مهاجرین از اینها خاطره داشتند او من را در فلان تاریخ زد او من را زندانی کرد لو اموال من را غارت کرد بنابراین شبهه ای نبود.

۸- جریان تحریف حقایق به موازات تحریم: به موازات تحریم یک جریان تحریف هم هست در کنارش یک جریان تحریف هست تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیات چه واقعیات کشور ما چه واقعیات مرتبط با کشور ما این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام میدهند. هدف از این تحریف دو چیز است دوکار را میخواهند انجام بدهند یکی ضربه به روحیه مردم است یکی هم آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است این تحریف در این زمینه ها است و با این دو هدف انجام میگیرد.

۹- دو عنصر برای مواجهه با این دشمنی ها لازم است. دو خصوصیت در احاد مردم لازم است: یکی عبارت است از بصیرت، و دومی عبارت است از صبر و استقامت، که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمیتواند بکند. این همان است که امیرالمومنین فرمود: "و لا یَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمُ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمُ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ" که این در خطبه ۱۷۳ نهج البلاغه است. یکی از راه هایی که این دو خصوصیت را بتوان در جامعه حفظ کرد عبارتست از "تواصی"، همان که در سوره العصر هست. وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ، مردم یکدیگر را تواصی کنند، این زنجیره تواصی و توصیه کردن به یکدیگر، هم توصیه به حق کنند، راه حق را تاکید کنند، هم توصیه به صبر کنند، این، همه را نگه میدارد.

۱۰- در عالم فرهنگ بایستی گره گشایی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد بایستی گره های ذهنی را باز کرد و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیا؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معنا است. اگرچه که بلاغت را در کتب فنی به معنای مطابقه با مقتضای حال معنا میکنند اما آن یک معنای خاصی از بلاغت است معنای اولی و صریح بلاغت این نیست بلاغت یعنی رساندن بلاغ یعنی رساندن

۱۱- امیرالمومنین (علیه السلام)؛ الگوی تبیین: در امیرالمومنین سه جور صفات هست: یکی آن صفات معنوی الهی است که با هیچ میزانی برای ماها اصلاً قابل سنجش نیست. یک دسته دیگر صفات برجسته انسانی اوست، اینها همان چیزهایی هستند که انسان مسلمان و غیرمسلمان و مسیحی و غیرمسیحی و بی دین و با دین و همه را مجذوب میکند.

دسته سوم خصوصیات حکومتی است که نتیجه همان مسئله امامت است، امامت یعنی این جور حکومت کردن. از خصوصیات حکومتی او این است: "عدل"، "انصاف"، "برابری"... تبیین، حقایق حکومتی را برای مردم بیان میکرد

۱۱- امیر المومنین ع اصطلاح ربیع بن خثیم را برای مقدس مابهای زمان امیرالمومنین به کار برد که وقتی او دارد با معاویه با اهل شام یا با اهل بصره میجنگد خدمتش آمدند و گفتند یا امیرالمومنین انا شک کنافی هذا القتال فرمود شک؟ چه شک؟ گفتند آنها برادر مسلمانند ما را بفروست تا برویم مرز داری کنیم فرمود بروید حاجتی به شما نداریم. واقعا هم امیرالمومنین به امثال این افراد احتیاجی نداشت. اصحاب عبدالله بن مسعود با همین خیالات باطل از دور امیرالمومنین پراکنده شدند.

۱۲- هم راستایی با نقشه کلان حرکت انقلاب: یکی از نکاتی که در هر عملیات اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد آن است که مومن مجاهد در راستای فرامین رهبر معظم انقلاب و در تکمیل نقشه کلان حرکت انقلاب عمل نماید بنابراین در جهاد تبیین و همچنین در دستور کار قرار دادن موضوع ضروری زمانه باید با بیانات و موجبات و رهنمود های رهبر جامعه ارتباط گرفت

۱۳- یک حرکت عمومی معقول و منضبط - وقتی میگوییم منضبط یعنی حرکت، غوغا سالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد، گاهی حرکت های عمومی با بلبشو و غوغا سالاری و مانند اینها همراه است، آنها ارزشی ندارد. صحیح و منظم و عقلایی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد: اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد، یعنی این کسانی که این حرکت را انجام میدهند یا محور این حرکتند، یا لاقط تحریک کننده این حرکتند، باید صحنه را درست بشناسند. یک عنصر دیگری که لازم است برای حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت گیری مشخصی داشته باشد، یک جهت گیری منطقی و قابل قبول. این جهت گیری به سمت جامعه اسلامی یا تمدن اسلامی است، یعنی می خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه اسلامی و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته اسلامی برساند. این هم عنصر دوم.

عنصر سومی که نیاز دارد این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد. این نقطه امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمیرود. نقطه روشن عبارت است از ظرفیتهای ملی ای که ما اینها را شناخته ایم. البته نقاط امید زیاد است، یکی اش این است، یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه مقابل ماست.

عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه ای راهکارهای عملی لازم است. خب این عنصری که گفتیم که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعال ئ زبان گویا، منتها این آخری که مسئله ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی در پی و لحظه به لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را مهم تر از همه جوانهای جامعه را به پیش ببرد

۱۴- از نظر آیت الله خامنه ای مهمترین چیزی که سران کشور ما به عنوان صاحبان اقتدار بدان نیاز دارند و عامل موفقیت است تقواست.

درست بفهمیم هم درست بیان و عمل کنیم وقتی انسان درست بفهمد و درست عمل و تبیین کند موفقیت حتمی و اجتناب ناپذیر است. به همین دلیل است که بیشترین توصیه در قرآن و روایات به مومنان توصیه به تقواست. ما بیش از همه مردم به تقوا احتیاج داریم چون مسئولیتمان سنگین است و بخشی از اقتدار ملی در اختیار ماست

۱۵- رعایت اولویتها و اصلی فرعی کردن: اگر حواستان پرت شد غافل شدید تمرکز را از دست دادید به چیز دیگری سرگرم شدید نتوانستید پیش بینی کنید که او چه کار می خواهد بکند، حتماً ضربه میخورد دشمن که خوابیده؛ او بیدار است: «وَإِنَّا أَلَا الْحَرْبِ الْأَرِقُّ وَمَنْ نَأْمُ لَمْ يَنْمُ عَنْهُ . شما اگر حواست پرت شد، شما اگر از موقعیت خود غافل شدی دلیل این نمیشود که دشمنی هم که در مقابل تو است حواست پرت شده باشد؛ او ممکن است حواست جمع باشد بزند..

۱۶- یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی اکرم، امیرالمومنین فرمود: طَبِيبٌ دَوَّارٌ يَطْبَهُ فِدَا أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه ی روحانی و مجموعه ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم این حالت طلبگی خودمان حالت آخوندی خودمان حالت روحانی خودمان را که انس با مردم رفتن میان مردم گفتن به زبان مردم شنیدن درد دل مردم است. باید از دست ندهیم.

۱۷- بعضی ها در فضای فتنه این جمله ی «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَأَنَّكَ الْبُؤْسُ لَا ظَهَرَ فَيُرْكَبُ وَلَا ضَرَعُ فَيُحْلَبُ» را بد میفهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لَا ظَهَرَ فَيُرْكَبُ وَلَا ضَرَعُ فَيُحْلَبُ»؛ نه بتواند سوار بشود نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود.

۱۸- یکی از نکات اساسی در تبیین، آن است که مطالب متقن و صحیح برگرفته از معارف اسلام محمدی به مخاطبان عرضه شود. مسئله‌ی «نفی نظام سلطه» جزو کلیدواژه‌های اصلی است، - مسئله‌ی «آزادی» جزو کلیدواژه‌های اصلی است؛ آزادی را درست باید تبیین کنید. - مسئله‌ی «عدالت» جزو کلیدواژه‌های اصلی است... اینها را باید تبیین کنید. یعنی توصیه‌ی من به تشکلهای دانشجویی این است که این کلیدواژه‌های اساسی و اصلی را درست تبیین کنند. از بیانات امام استفاده کنید و مانند اینها.

۱۹- روش‌ها و انحاء: یکی از مهم‌ترین عناصر در تبیین، اتخاذ بهترین و مناسب‌ترین راهکار و روش از جهت مخاطب، شرایط و زمان و مکان است. عامل سوم عبارت از روش است، روش‌ها خیلی مهم است. در همین آیه مبارکه ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ روش را بیان فرموده است. سخن حکمت آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیر متشبه، سخن غیر موهون و غیر ضعیف

۲۰- همه توجه داشته باشید که در محیط کار و زندگی که گفتیم بسیجی ارزش و احترام دارد و باید افتخار کند اخلاق و رفتار شما باید جوری باشد که احترام و محبت مردم را جلب کند.

۲۱- اعتقادات بنیادین: سه موضوع هم در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسئله‌ی علم و فناوری است یکی مسئله‌ی اقتصاد است یکی مسئله‌ی فرهنگ است... از همه‌ی اینها مهم‌تر مسئله‌ی فرهنگ است؛ بخصوص در سطح باورها و عقاید مردم میبایست چقدر دارند سرمایه گذاری میکنند...

۲۲- مسئله‌ی دومی که مسئله‌ی اساسی است قضیه‌ی معاد، قضیه‌ی محاسبه، قضیه‌ی تمام نشدن قضا با زوال جسم - با مرگ است؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ اینکه حساب و کتابی در کار است؛ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه‌ی عملی اش این معنا باشد که فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، در زندگی اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد.

۲۳- همه چیز مقدمه است؛ جامعه‌ی اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که ليقوم الناس بالقسط «که به عنوان هدف انبیا ذکر شده قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد.

مسئله‌ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقب یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظار یک موجود حتی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است.

۲۴- اهداف و آرمانهای انقلاب: هدف‌ها باید ترسیم شود، یکی از هدفهای مهمی که در این انقلاب‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که اسلام از محوریت خارج نشود. اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. یکی دیگر از هدفها، نظام سازی است، اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام سازی نشود، آنها را خطر تهدید میکند.

۲۵- بسیج، که بسیج مصداق این آیه‌ی شریفه است: الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ. بعد از جنگ احد شایعه انداختند که بنا است به مدینه حمله بشود بترسید از دشمن؛ فَرَّادَهُمْ اِيْمَانًا؛ اما مؤمنین در مقابل این تهدیدها و عربده کشی‌ها ایمانشان بیشتر شد، و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل؛ این بسیج است. بسیج مصداق همین آیه‌ی شریفه است که در مقابل تهدید دشمن نه فقط عقب نشینی نمیکند بلکه «فَرَّادَهُمْ» ایماناً افزایش پیدا میکند.

۲۶- ما دو نوع موانع داشتیم، موانع درونی و موانع بیرونی. موانع درونی یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسانها وجود دارد، اینها موانع درونی است. موانع درونی، ضعف هاست، ضعفهای فکری است، ضعفهای عقلانی است، راحت طلبی است، آسان گرایی است، آسان پنداری است. گریز از چالش هم یکی از ضعفهای درونی است. به گریز از چالش بغلط میگویند عافیت طلبی عافیت طلبی چیز خوبی است. عافیت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است؛ یا ولی الْعَافِيَةِ اسْتَطَلَكَ الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ الدِّينِ وَالْأَخْرَةِ. عافیت به معنای پنجه نیفکندن نیست؛ به معنای درست عمل کردن، بجا قدم گذاشتن، بجا ضربه زدن و بجا عقب کشیدن است.

یکی دیگر از ضعفهای درونی، عبارت است از تربیت های اجتماعی موجود و عاداتهای تاریخی.

آن وقت عوامل بیرونی است، که دیگر ماشالله وجود داشته است، همه کسانی که به نحوی از انقلاب یا از هدفهای انقلاب متضرر میشوند.

۲۷- نفوذ دو جور است یک نفوذ موردی است نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است نفوذ موردی خیلی نمونه دارد معنایش این است که فرض کنید شما یک دم و دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره ی آرایش شده ،بزرگ شده با ماسک در مجموعه ی شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است در حالی که او دوست نیست تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم اهمیت ترینش جاسوسی است خبرکشی و خبردهی است.

خطرناک ترین نفوذ جریانی است نفوذ جریانی یعنی شبکه سازی در داخل ملت به وسیله ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. عمده ترین وسیله دو چیز است؛ یکی پول یکی هم جاذبه های جنسی افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند.

۲۸- ما بارها عرض کرده ایم که امیرالمؤمنین در جنگ صفین شاید این جمله را درباره ی عمار هم فرموده باشد مکرر این جمله را میفرمود: **أَلَا وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمُ إِلَّأ أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ** چه عبارت زیبایی هم هست؛ حروف بصر و صبر یکی است ترکیبش دو تا است؛ و چه زیبا! فقط اهل بصیرت و پایداری میتوانند این پرچم را بردارند بصیرت را باید در خودمان تقویت کنیم.

۲۹- به نظر من در مجموع، دستگاه یک خطای دوپایه ای را دارد در زمینه ی برخورد با مسائل اقتصادی انجام میدهد، یک پایه عبارت است از نوعی حرف زدن و مشی کردن که تلقی عمومی این باشد که فساد عمومی است در حالی که فساد عمومی نیست. پایه ی غلط دوم اینکه با آن موردی که واقعا فساد است، برخورد قاطع و روشن نمیکنیم. باید برخورد بشود.

۳۰- هدف جنگ نرم از حمله به مردم؛ هدف دیگر دشمن از جنگ نرم سست کردن ایمان و باز داشتن مردم از حرکت البته در کنار تغییر باورها سست کردن ایمان کشاندن به انواع و اقسام چیزهایی که انسان را از حرکت باز میدارد؛ از مواد مخدر به اشکال گوناگونش گرفته تا شهوات و چیزهایی که میدانید. این جزو کارهایی که است که جنگ نرم امروز دارد دنبال میکند.

۳۱- نماز جمعه آنچنان که اسم آن پیداست، محل جمع است، محل اجتماع است، این هم یک فرصت بزرگی است برای تبیین کردن. خب حالا که این جور شد پس نماز جمعه قلب فرهنگی هر شهر است؛ مرکز فرهنگی هر شهر نماز جمعه است؛ البته شرایطی دارد که حالا بعضی از اینها را عرض خواهیم کرد. جایی است که آنجا هدایتگری انجام میگردد؛ من تأکید میکنم این هدایتگری صرفاً هدایتگری سیاسی نیست هدایتگری سیاسی و فرهنگی است.

۳۲- هدف باید "صراط الله" باشد، **صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ**. هدف تمام پیامبران، کشاندن مردم به صراط مستقیم است و صراط مستقیم هم یعنی عبودیت، **وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ**. باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است سوق دهید. البته این عبودیت در زمینه ی اخلاق، در زمینه ی فردی و در زمینه عمل اجتماعی کاربرد دارد.

۳۳- هنرمندان و شاعران: مهم ترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است؛ **«الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»**؛ این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک میکنید آن را تبیین کنید کسی انتظار ندارد بر خلاف آنچه که میفهمید حرف بزنید نه آنچه را که میفهمید بگویید.